

شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران و عوامل تعیین‌کننده آن در شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۵

Prevalence of Early Marriage of Girls and its Determinant Factors in Iranian Counties in 2016

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.4.599>

R. Teimouri Arshad, Ph.D. student

Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran

A. Rezaei, M. A.

Master of Demography, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

R. Sadeghi, Ph.D.

Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran

✉ رضا تیموری ارشد

گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران

اردشیر رضایی

گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه بوعلی

دکتر رسول صادقی

گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۹

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۱/۴/۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۴

Abstract

Marriage is one of the most essential and long-lasting interpersonal relationships that is truly important in the transition to adulthood. This study investigates the rate of girls' early marriage in 2016 and its indicators in the country's counties. The research method of the article is a secondary analysis of 2016 census data. The results designate a higher predominance of girls' early marriage in the northe-

چکیده

ازدواج یکی از مهم‌ترین و پایدارترین روابط بین فردی است که در انتقال فرد به مرحله بزرگسالی اهمیت بسیاری دارد. این مقاله به بررسی میزان پیش‌رسی ازدواج دختران در سال ۱۳۹۵ و تعیین‌کننده‌های آن در سطح شهرستان‌های کشور می‌پردازد. روش تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ می‌باشد. نتایج بیانگر شیوع بالاتر پیش‌رسی ازدواج دختران در مناطق شمال شرقی و شمال غربی کشور است.

✉ Corresponding author: Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: reza.teimouri@ut.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، پل گیشا، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جمعیت‌شناسی.

پست الکترونیکی: reza.teimouri@ut.ac.ir

-astern and northwestern regions of the country. The outcomes of multivariate analysis showed that among the studied factors, the level of education (negative effect), the ratio of rurality and the social pressure to marry on men (positive effect), respectively, have the most significant influence on the early marriage of girls aged 10-14 years. Concerning the early marriage of 15-19-year-old girls, education (negative effect) and the social pressure to marry on men and rurality ratio (positive effect) had the most impact. Consequently, education is a protective factor against early marriage. In contrast, rurality and the social pressure to marry on men are major drivers of early marriage.

Keywords: Age at Marriage, Early Marriage, Social Pressure to Marry, Culture, Development, Iran.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد از میان عوامل مورد بررسی، سطح تحصیلات (اثر منفی)، نسبت روستائیشینی و مضیقۀ ازدواج مردان (اثر مثبت)، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال دارد. در خصوص پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله، اشتغال به تحصیل (اثر منفی) و مضیقۀ ازدواج مردان و نسبت روستائیشینی (با اثر مثبت)، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را داشته‌اند. از این رو، تحصیلات به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر پیشرسی ازدواج است؛ در مقابل، روستائیشینی و مضیقۀ ازدواج مردان پیشران‌های مهم پیشرسی ازدواج محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سن ازدواج، پیشرسی ازدواج، مضیقۀ ازدواج، فرهنگ، توسعه، ایران.

مقدمه

تغییر و دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی و ملی، در چند دهه گذشته، روی الگوی پیوند زناشویی و خانواده همانند همه پدیده‌های اجتماعی دیگر تأثیر گذاشته و تغییرات محسوسی را در این نهاد موجب شده است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تحولات اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و اجتماعی دهه‌های اخیر سبب بروز تحولاتی در بسیاری از وقایع، از جمله زمان‌بندی ازدواج شده است. به تبع گسترش شهرنشینی و فاصله‌گرفتن تدریجی از سنت‌های اجتماعی، شرایط برای ازدواج سخت‌تر شده و هر سال سن ازدواج بالاتر رفته است؛ اما در عین حال پیشرسی ازدواج هم در برخی مناطق کماکان وجود دارد. ازدواج زودهنگام^۱ عبارت است از هر ازدواجی که در سنین زیر ۱۸ سال صورت بگیرد و دختر از نظر جسمی، فیزیولوژیکی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری آماده نباشد (صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶). در ادبیات جمعیت‌شناسی، از ازدواج زودهنگام با عنوان پیشرسی ازدواج یاد می‌شود. آمار افرادی که زودتر از سن قانونی ازدواج، زندگی زناشویی تشکیل داده‌اند، مشخص‌کننده پیشرسی ازدواج است. نسبت دختران ازدواج کرده در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ سال می‌تواند تقریبی از پیشرسی ازدواج زنان به دست دهد.

پیش‌رسی ازدواج مسئله‌ای جهانی است که ممکن است در هر گوشه دنیا، از خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و اروپا مشاهده شود. شیوع پیش‌رسی ازدواج بین کشورها و مناطق مختلف متفاوت است. بالاترین میزان آن در جنوب آسیا و جنوب صحرائی آفریقا گزارش شده است که به ترتیب ۴۴ درصد و ۳۹ درصد، دختران قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند (سانتیا^۲ و جی‌جی بوی^۴، ۲۰۱۵). بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل، در دوره سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، در کشورهای درحال توسعه، بیش از یک‌سوم از زنان ۲۰ تا ۲۴ سال (حدود ۳۴ درصد) قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. در سال ۲۰۱۰ این درصد تقریباً معادل ۶۷ میلیون زن بود که حدود ۱۲ درصد از آنها قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده بودند (لوئیزا^۵ و وونگ^۶، ۲۰۱۲). در خاورمیانه، ازدواج زود هنگام در کشورهای یمن و فلسطین گسترش بیشتری دارد (یونیسف^۷، ۲۰۰۵).

عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در بروز ازدواج زود هنگام دخیل هستند. مشکلات اقتصادی و افزایش فقر (امین^۸، ۲۰۱۱؛ ترماین^۹، ۲۰۰۶؛ کمپادو و دوون^{۱۰}، ۲۰۰۱) به‌عنوان عوامل اصلی در پیش‌رسی ازدواج ذکر شده‌اند. یکی دیگر از عوامل عمده که در پیش‌رسی ازدواج تأثیر دارد، سواد و تحصیلات است. عواملی مانند فعالیت‌های درآمدزایی و آموزش عالی از عوامل محافظت‌کننده در ازدواج کودکان هستند (نصرالله^{۱۱} و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴). لوکاس و میر^{۱۳} (۱۳۸۴: ۱۱۵) در دسترس نبودن همسر مناسب (عدم تعادل در بازار ازدواج) را به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر سن ازدواج بر شمرده‌اند. به‌طور کلی محرک‌های ازدواج کودکان پیچیده و متنوع بوده و نتیجه تعامل بین نیروهای کلان اجتماعی و سنت‌های محلی و تجربیات فرهنگی است.

ازدواج زود هنگام بر زندگی دختران اثر گذاشته و تبعات آسیب‌زای سلامت آن، زندگی آن‌ها را پیچیده‌تر کرده و در هر سطحی، رشد و تعالی فردی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. دامنه تبعات منفی آن از حاملگی‌های زودرس و ناخواسته (سازمان بهداشت جهانی^{۱۳}، ۲۰۱۱؛ یونیسف^{۱۴}، ۲۰۰۵)، سقط جنین (پراکش^{۱۵} و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۱؛ سانتیا و جی‌جی بوی^{۱۷}، ۲۰۱۵؛ جین^{۱۸} و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۱)، احتمال ابتلا به ایدز در بین دختران نوجوان (مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان^{۲۰}، ۲۰۰۷؛ بوئندر^{۲۱}، ۲۰۱۸)، مرگ‌ومیر بالاتر نوزادان (مهرا و آگراوال^{۲۲}، ۲۰۰۴؛ راج^{۲۳}، ۲۰۱۰؛ فیلی^{۲۴} و همکاران^{۲۵}، ۲۰۱۱)، افزایش مرگ‌ومیر ناشی از زایمان (نورانی^{۲۶} و همکاران^{۲۷}، ۲۰۲۰)، در معرض خشونت قرار گرفتن از سوی همسر (چاندر^{۲۸}، ۲۰۱۳؛ منتظری و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۶؛ جونز^{۳۰}، ۲۰۱۴؛ فیلد و آمبروس^{۳۱}، ۲۰۰۸) تا ترک تحصیل (بوئندر^{۳۲}، ۲۰۱۸؛ یونیسف^{۳۳}، ۲۰۱۷) در ادبیات تحقیق مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه ایران بیش از نیم قرن است که به‌طور جدی دست‌به‌گریبان تغییرات اجتماعی اقتصادی و فرازونشیب‌هایی در فرایندهای جمعیت‌شناختی است. این تغییرات در مسیر توسعه و نوسازی صورت گرفته و به‌سرعت ساختارهای سنتی را دگرگون کرده است. گسترش شهرنشینی، رشد میزان‌های سواد و تحصیلات و افزایش مشارکت زنان در بازار کار از وجوه بارز این تغییرات در کشور است. در بستر این تحولات، دگرگونی در ساختار سنتی خانواده به دگرگونی در زمان‌بندی ازدواج منجر شده است. توجه جهانی به پدیده پیش‌رسی ازدواج و تلاش‌های صورت‌گرفته در این زمینه موجب شده است سطح ازدواج زود هنگام به‌طور کلی روند کاهشی پیدا کند، هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در سنین کودکی ازدواج می‌کنند. در ایران نیز

هنوز ازدواج زودهنگام بدون توجه به استقبال گسترده از ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های خانوادگی مدرن، در نقاط خاصی از کشور متداول است (حسینی و عرفانی، ۲۰۱۴). مطالعات در ایران حاکی از آن است که بیش از ۷,۷ درصد دختران در تهران و ۴۰ درصد در سیستان و بلوچستان قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند (مطلبی و همکاران، ۲۰۱۳). بر اساس آخرین اطلاعات منتشرشده توسط سازمان ثبت‌احوال (۱۳۹۷)، در سال ۱۳۹۶، ۶۰۸۹۵۶ ازدواج در کل کشور به ثبت رسیده است که از این تعداد، ۳۵۳۳۳ مورد (۵,۸ درصد)، سن زوجه، هنگام ازدواج بین ۱۰ تا ۱۴ سال بوده است. بر همین پایه، استان‌های زنجان، خراسان شمالی، آذربایجان شرقی و اردبیل، به ترتیب با ۱۴,۵، ۱۲,۴، ۱۱,۷ و ۱۱,۶ بالاترین درصد از این نوع ازدواج‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در سوی دیگر طیف، استان‌های تهران (۱,۸ درصد)، اصفهان (۲ درصد)، البرز (۲,۳ درصد) و گیلان (۲,۴ درصد) قرار دارند که نشان از شکاف بین استان‌های کشور به لحاظ شیوع ازدواج زودهنگام دارد. بنابراین در این مقاله سعی شده است، ابتدا با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، وضعیت پیش‌رسی ازدواج دختران در شهرستان‌های کشور مورد بررسی قرار گیرد، سپس به آزمون برخی عوامل اثرگذار بر این پدیده پرداخته شود.

محققان داخلی و خارجی مطالعات متعددی در خصوص پیش‌رسی ازدواج زنان، تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای آن، انجام داده‌اند که در اینجا به برخی از مهم‌ترین نتایج تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

احمدی (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر تحصیلات و به‌طور ویژه اقدام به ترک تحصیل، در دو سطح فردی و استانی پرداخت. این مطالعه با ادعان به اینکه بیشتر از ۲۰ درصد دختران، از ۷,۷ درصد در شهر تهران، تا ۴۰ درصد در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان، قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، ازدواج زودهنگام را مهم‌ترین عامل در ترک تحصیل زنان نوجوان ازدواج کرده معرفی می‌کند. احمدی و رضایی (۱۳۹۴) نشان دادند که پیش‌رسی ازدواج برای زنان در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ روند افزایشی داشته است. نسبت پیش‌رسی ازدواج در استان‌های کشور متفاوت بوده است. در سال ۱۳۹۰ شیوع پیش‌رسی ازدواج زنان در استان‌های خراسان شمالی و خراسان رضوی بیشتر از بقیه استان‌ها بوده است.

الگوی ازدواج برحسب اجتماعات و اقوامی که دارای فرهنگ و آداب‌ورسوم اجتماعی خاصی هستند، متغیر خواهد بود و به همین دلیل در بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج باید این تفاوت‌ها در میان اجتماعات تشکیل‌دهنده جامعه کل، به‌ویژه در جوامع چندقومی، مورد توجه قرار گیرد. این تغییرات و تفاوت‌ها برحسب قومیت در سن ازدواج یا سایر فرایندهای مربوط به تشکیل خانواده، حتی در جوامع صنعتی و پیشرفته امروزی اهمیت خاصی دارد. مطالعات انجام‌شده در کشورهای آسیایی نیز نقش این عامل را در تفاوت الگوی ازدواج نشان داده است. به‌عنوان مثال، وون‌الم و هیرشمن^{۲۵} (۱۹۷۹) در مطالعه‌ای که روی سن ازدواج سه گروه قومی مالزیایی، هندی و چینی ساکن در مالزی انجام داده بودند، به این نتیجه می‌رسند که در میان متغیرهای مختلف زمینه‌ای و پیشینه‌ای، قومیت قوی‌ترین متغیر توضیح‌دهنده تفاوت‌ها در سن ازدواج این سه گروه قومی حتی پس از کنترل سایر متغیرهای زمینه‌ای بوده است. از نظر آن‌ها، تفاوت‌های قومیتی عمدتاً از زمینه‌های فرهنگی متفاوت درباره زمان مناسب ازدواج ناشی می‌شود. تاپا^{۲۶} (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که نقش عامل قومیت، حتی پس از کنترل سایر عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی برجسته است. نقش زمینه‌های فرهنگی در مورد زمان ازدواج در تحقیقات بعدی نیز تا اندازه زیادی مورد تأیید قرار گرفته

است (اکسنوس و گالتیانو،^{۲۷} ۱۹۹۲؛ مالهوترا،^{۲۸} ۱۹۹۷؛ پالمور،^{۲۹} ۱۹۸۳؛ مینه،^{۳۰} ۱۹۹۷). عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴) نیز الگوهای متمایزی از ازدواج در میان گروه‌های قومی در ایران مشاهده کردند. در این بررسی، نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که بعد از کنترل مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، تفاوت‌های قومی در الگوهای ازدواج باقی می‌ماند. به بیان دیگر، قومیت نقش مستقلی در تبیین الگوهای ازدواج دارد. ترابی و باسیری^{۳۱} (۲۰۱۰) نشان دادند که ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی اقوام، به‌طور خاص در زمان و احتمال ازدواج زنان ایرانی تأثیر دارد.

حبیب‌پورگتایی و غفاری (۱۳۹۰) نشان دادند دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است. نتایج بررسی افتخارزاده (۱۳۹۴) حاکی از آن است که ازدواج زودهنگام می‌تواند عامل مثبتی در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. در این بررسی، فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی و محلی و قومی، و ترس از بی‌آبرویی مهم‌ترین عوامل رخداده ازدواج زودهنگام در نمونه مورد مطالعه بوده است. مقدادی و جوادیپور (۱۳۹۶) به تحلیل علل ازدواج زودهنگام و آثار آن بر سلامت جنسی کودکان و نیز راهکارهای ممانعت از آن پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید. حسینی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی خود، به تبیین عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج زنان پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارد.

منج^{۳۲} و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که سن ازدواج با توجه به میزان دسترسی به آموزش و همچنین محل اقامت افراد (شهری/ روستایی) متفاوت است. این بررسی نشان داد افزایش شهرنشینی، کاهش ازدواج سنتی، افزایش هزینه‌های ازدواج و مزیقه ازدواج با سن ازدواج در ارتباط هستند. آنیتا^{۳۳} (۲۰۲۰) در تحقیق خود، با هدف کاهش میزان بروز ازدواج زودهنگام در روستای تمبونگ اندونزی، به این نتیجه رسید که بین داشتن تحصیلات و شبکه‌های اجتماعی به عنوان منابع اطلاعاتی و پیش‌رسی ازدواج در این منطقه، رابطه معناداری وجود دارد. هیسنی^{۳۴} و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی خود نشان دادند دلایل اصلی ازدواج زودرس در کوزوو، عشق، بارداری و فرار از کنترل والدین بود.

نصراالله و همکاران (۲۰۱۴)، جنسن و تورنتون^{۳۵} (۲۰۰۳) فقر اقتصادی را به‌عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده پیش‌رسی ازدواج دانسته‌اند. ادريس^{۳۶} و همکاران (۲۰۱۲) نیز در بررسی خود بر نقش تحصیلات، به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر پیش‌رسی ازدواج، تأکید کرده‌اند. همچنین لوئیزا و وونگ (۲۰۱۲) بیان می‌دارند که احتمال ازدواج دختران دارای تحصیلات ابتدایی، نسبت به دختران دارای تحصیلات متوسطه یا بالاتر، دو برابر بیشتر است. با این حال، افراد بدون تحصیلات، سه برابر بیشتر از کسانی که دارای تحصیلات متوسطه یا بالاتر هستند، احتمالاً قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند. گزارش مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان (۲۰۰۶) حکایت از آن دارد فقیرترین کشورها بالاترین میزان ازدواج کودکان را دارند. ازدواج کودکان در فقیرترین کشورها متمرکز است و کشورهای با کمترین تولید ناخالص، بیش‌ترین میزان شیوع ازدواج کودکان را دارند.

مشابه وضعیت اقتصادی، وضعیت تحصیلی پایین یا بی‌سواد، عامل افزایش دهنده ازدواج کودکان است و در مقابل، تحصیلات عالی اثر کاهنده‌ای دارد (یونیسف، ۲۰۰۵). ایکاماری^{۳۷} (۲۰۰۵) بر اساس داده‌های پیمایش جمعیت و سلامت کنیا در سال ۱۹۹۸ نشان داد تحصیلات اثر معنادار، مثبت و قوی بر سن زنان در اولین ازدواج دارد. زنان بسیار تحصیل کرده احتمال بیشتری دارد تا ازدواج خود را به تأخیر اندازند. نتایج نشان داد میانگین سن مناسب در اولین ازدواج، از نظر افراد بی‌سواد ۱۶ سال، از نظر افراد با تحصیلات ابتدایی ۱۸ سال و از نظر افراد با تحصیلات متوسطه ۲۰ سال است.

گلیک^{۳۸} و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند در میان زنان ۱۲ تا ۲۵ ساله در ماداگاسکار، یک سال افزایش در میزان تحصیلات دختران، به مقدار ۱٫۵ سال، به تأخیر در ازدواج منجر خواهد شد. نتایج بررسی جیب و هاین^{۳۹} (۲۰۱۶) در اردن نیز نشان داد که برای مردان و زنان، ثبت نام در تحصیلات، ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. همچنین بیکاری ازدواج اول را برای مردان به تأخیر انداخته، در حالی که زنان غیرفعال ازدواج زودرس را تجربه کرده‌اند.

امین و همکاران (۱۹۹۸) در بررسی خود در کشور بنگلادش، به تأثیر مشارکت اقتصادی دختران بر پیش‌رسی ازدواج اشاره کرده‌اند. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان داد دخترانی که در بخش پوشاک مشغول به کار بوده‌اند، دیرتر از دخترانی که بیکار هستند ازدواج می‌کنند. تحقیقات نشانگر آن است که زندگی در مناطق روستایی نیز احتمال ازدواج زود هنگام را افزایش می‌دهد. یونیسف (۲۰۱۶) در گزارش خود احتمال ازدواج زودرس دختران خانواده‌های فقیر و دختران ساکن در مناطق روستایی را دو برابر دختران خانواده‌های ثروتمند و دختران ساکن در مناطق شهری می‌داند. در همین راستا، وستوف^{۴۰} (۲۰۰۳) نشان داد که دختران روستایی، به احتمال زیاد، ۱٫۵ سال زودتر از دختران در مناطق شهری ازدواج می‌کنند.

در جمع‌بندی تحقیقات مذکور می‌توان گفت این تحقیقات غالباً بر نقش عوامل اقتصادی مانند فقر، وضعیت اقتصادی خانواده و مشارکت اقتصادی زنان تأکید کرده‌اند. در کنار این عوامل به شهرنشینی، تحصیلات زنان و دسترسی به ارتباطات و اطلاعات نیز به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی نوسازی و نیز قومیت به‌عنوان یک عامل فرهنگی، پرداخته شده است. از سوی دیگر، بخش عمده این تحقیقات پدیده پیش‌رسی ازدواج را در سطح فردی و با استفاده از تکنیک پیمایش در نمونه‌های کوچک و در سطح مناطق جغرافیایی محدود، مانند یک شهرستان یا استان مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی دیگر از تحقیقات که در سطح ملی انجام شده است، صرفاً بر تغییرات شاخص‌های مرتبط با پیش‌رسی ازدواج، در یک دوره زمانی خاص تمرکز کرده و به تعیین‌کننده‌های این تغییرات نپرداخته‌اند؛ بنابراین در این تحقیق تلاش شده است تا علاوه بر آنکه شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران در شهرستان‌های کشور، با استفاده از تحلیل داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گیرد، به آزمون اثرگذاری برخی عوامل مؤثر در سطح شهرستان پرداخته شود.

تبیین و توضیح الگوی سنی ازدواج و تغییرات آن در یک جامعه نیازمند نظریه‌ای است که این الگو را با فرد، خانواده و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیوند دهد. بر اساس این، پیش‌رسی ازدواج دختران را می‌توان از سه رهیافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبیین کرد؛ رهیافت اجتماعی با نظریه‌های نوسازی و برابری جنسیتی، رهیافت فرهنگی با نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم و رهیافت اقتصادی با نظریه مبادله (عرضه و تقاضا) توضیح داده می‌شود.

مطابق با نظریه نوسازی، مدرن‌شدن و تحول در جامعه، بر زمان ازدواج، به‌ویژه برای دختران، تأثیر می‌گذارد و آن را به تأخیر می‌اندازد؛ چنان‌که گسترش شهرنشینی، اشاعه فرصت‌های تحصیلی و ایجاد تغییر در ترکیب نیروی کار، یعنی افزایش کمی و کیفی اشتغال زنان، اثرات قابل‌توجهی در دیرکرد امر ازدواج دارد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ حبیب‌پورگنابی و غفاری، ۱۳۹۰). فضای بازتر شهر نسبت به روستا، شیوع افکار نوین مبتنی بر لذت‌طلبی و فردگرایی، همچنین کنترل اجتماعی ضعیف‌تر جوانان در مناطق شهری، از عواملی است که در تأخیر ازدواج، اثرگذار است (محمودیان، ۱۳۸۳). همچنین، گسترش آموزش مدرن و همگانی‌شدن تحصیلات علمی در جامعه، نه‌تنها به‌دلیل ادامه‌تحصیل افراد در مقاطع آموزشی بالاتر به‌طور طبیعی موجب تعویق ازدواج می‌شود، بلکه حضور در نهادهای نوین آموزشی، استقلال فکری و تغییر در ارزش‌ها و باورهای جوانان را به دنبال دارد؛ به‌طور مثال، انتظار افراد از روابط زناشویی، نحوه انتخاب همسر و معیارهای یک همسر مناسب را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این خود، انتخاب همسر را دشوار می‌کند و فرایند ازدواج را به عقب می‌اندازد (آقایی و طاهری، ۱۳۹۲؛ کاوه فیروز و کاظمی‌پور، ۱۳۹۳). علاوه بر این‌ها، مقوله بهبود کیفی و کمی اشتغال زنان نیز اهمیت دارد. ورود چشمگیر زنان به بازار کار، در نتیجه توسعه اقتصادی - اجتماعی و ارتقای آنان در مشاغل سطح بالا، سبب کسب درآمد اختصاصی و استقلال اقتصادی بانوان شده است و احتمال ازدواج اجباری و زودرس را برای آنان کمتر می‌کند. به‌علاوه، از این طریق، زنان جایگاه اجتماعی خود را ترقی می‌دهند و آزادی و قدرت بیشتری در انتخاب همسر اعمال می‌کنند. ضمن اینکه، از آنجا که در همسرگزینی و تشکیل زندگی مشترک، به دنبال مبادله پایایی هستند، سعی می‌کنند تا کمترین فاصله سنی را با شوهر داشته باشند (محمودیان و راهرو، ۱۳۸۹؛ حسینی و گراوند، ۱۳۹۲). از این‌رو، تغییر اجتماعی به ازدواج دیرتر هم برای مردان و هم برای زنان، در تقریباً تمامی زمینه‌های فرهنگی اجتماعی موردبررسی منجر شده است. (اسمیت، ۱۹۸۰^{۴۱}).

در نظریه برابری جنسیتی، بیشترین بحث برابری فرصت بین دو جنس است؛ برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و... با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصت‌های شغلی، آموزشی و... سعی می‌کنند، گام‌به‌گام با مردان پیش روند. در نتیجه این برابری جنسیتی (رقابت جنسیتی)، ازدواج زنان به تأخیر می‌افتد. به‌تأخیرافتادن ازدواج هزینه‌ای است که زنان، برای دستیابی به برابری فرصت، مجبورند پرداخت نمایند. در مناطق کمتر توسعه‌یافته، در تمام زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، نابرابری زیادی بین دو جنس وجود دارد. فقر مالی، بی‌سوادی والدین، پرجمعیت‌بودن خانواده‌ها، کلیشه‌های سنتی و فقر فرهنگی، عقاید قالبی جنسیتی، همه به این نابرابری دامن می‌زند. والدین ترجیح می‌دهند به‌جای صرف هزینه برای ادامه‌تحصیل دختران، آن‌ها را شوهر دهند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴).

فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی عمل می‌کنند و درصد به‌حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. این نظریه عمدتاً از طریق کارهای جورج هومنز^{۴۲} و پیتر بلاو^{۴۳}، تأثیر عمده‌ای بر پژوهش‌های جامعه‌شناختی داشته است (کنعانی، ۱۳۸۵). بارتز و نای^{۴۴} (۱۹۷۰)، به‌نقل از خلیج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۰)، با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج، دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کردند؛ دسته اول آن‌هایی است که موجب می‌شود ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجردماندن تأمین کند و دسته دوم آن‌هایی است که موجب می‌شود ازدواج در

میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با ازدواج، یک قضیه نظری عام مطرح کردند: «هرقدر تفاوت مثبت بین رضایت موردانتظار از ازدواج و رضایت دریافت‌شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود».

عدم تعادل در بازار ازدواج (مضیقه ازدواج) که به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج مطرح شد، از این رهیافت قابل‌تبیین است. با توجه به ترکیبات مبادله (عرضه و تقاضا)، هرگاه در بازار ازدواج تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه باشد، سبب می‌شود دختران در سنین پایین‌تری ازدواج کنند و برعکس، هرگاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب افزایش سن ازدواج دختران می‌شود و این بازار عرضه و تقاضای ازدواج است که سن ازدواج را تعیین می‌کند. ملاحظه می‌شود که در تئوری مبادله، انسان‌ها همواره به ارزیابی هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج می‌پردازند. در جوامع سنتی (روستایی) و کمتر توسعه‌یافته، فرزندان، به‌خصوص فرزند دختر، برای والدین بیشتر نقش مصرف‌کننده و بار اضافی دارد. بنابراین در شرایط سخت و تنگناهای اقتصادی، برخی خانواده‌ها به فکر ازدواج دخترشان می‌افتند تا از هزینه‌ها و بار اقتصادی خانواده بکاهند. در چنین شرایطی، پیش‌رسی ازدواج یا ازدواج زودهنگام افزایش می‌یابد.

در نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم^{۴۵} نیز استدلال می‌شود که نقش ازدواج، به‌عنوان سازمان‌دهنده بنیادی زندگی خانوادگی، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در سراسر جهان کاهش یافته است (لسته‌هاک، ۲۰۱۰). طبق این نظریه، افزایش تصاعدی فردگرایی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی اساس تغییرهای صورت‌گرفته در تشکیل خانواده است. سکولاریزم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار)، از جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که به‌نوبه خود باعث شده‌اند تا فرد بر طبق اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد (روزینا و فربونی، ۲۰۰۴).

در جمع‌بندی کلی از مباحث نظری مطرح‌شده و نیز مرور تحقیقات پیشین، می‌توان تغییرات پیش‌رسی ازدواج زنان را حاصل تغییرات اساسی در سطح کلان جامعه، نظیر گسترش شهرنشینی، افزایش مشارکت اقتصادی، گسترش آموزش و تحصیلات عالی در جامعه و عدم تعادل در بازار ازدواج دانست. همه عوامل یادشده را می‌توان در چهارچوب نظریه نوسازی در کنار یکدیگر قرار داده و به‌وسیله آن نوسانات پیش‌رسی ازدواج زنان را مورد تبیین قرار داد. بر همین پایه، فرضیه‌های تحقیق به‌صورت زیر مطرح شدند:

۱. انتظار می‌رود با افزایش مشارکت اقتصادی زنان، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران کاهش یابد؛
۲. انتظار می‌رود با افزایش مضیقه ازدواج مردان، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران افزایش یابد؛
۳. انتظار می‌رود با افزایش اشتغال به تحصیل، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران کاهش یابد؛
۴. انتظار می‌رود با افزایش نسبت تحصیلات دیپلم و بالاتر، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران کاهش یابد؛
۵. انتظار می‌رود با افزایش نسبت روستانشینی، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران افزایش یابد؛
۶. انتظار می‌رود با افزایش سطح توسعه شهرستان‌ها، شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران کاهش یابد.

روش

در این مطالعه، از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. جمعیت آماری موردبررسی شامل ۴۲۸ شهرستان بود. شهرستان ابوموسی، با توجه به ترکیب خاص سنی و جنسی جمعیت، از تحلیل‌ها خارج شد. داده‌های مورد استفاده در بررسی حاضر، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان‌های ایران در سال ۱۳۹۵ است.

متغیرهای وابسته تحقیق شامل پیشرسی ازدواج دختران، در دو گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ سال است که از طریق تقسیم تعداد دختران حداقل یک بار ازدواج کرده، در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ سال، بر جمعیت دختران در همان گروه سنی (رابطه ۱ و ۲) محاسبه می‌شود.

$$EM_{f_{10-14}} = \frac{\sum_{10}^{14} P_{mf}}{\sum_{10}^{14} P_f} \times K \quad \dots\dots\dots (1)$$

در این رابطه، $EM_{f_{10-14}}$ پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال، $\sum_{10}^{14} P_{mf}$ تعداد دختران حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال، $\sum_{10}^{14} P_f$ تعداد دختران ۱۰ تا ۱۴ سال و K عدد ثابت و برابر با ۱۰۰ است.

$$EM_{f_{15-19}} = \frac{\sum_{15}^{19} P_{mf}}{\sum_{15}^{19} P_f} \times K \quad \dots\dots\dots (2)$$

در این رابطه، $EM_{f_{15-19}}$ پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ سال، $\sum_{15}^{19} P_{mf}$ تعداد دختران حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال، $\sum_{15}^{19} P_f$ تعداد دختران ۱۵ تا ۱۹ سال و K عدد ثابت و برابر با ۱۰۰ است.

متغیرهای مستقل، شامل مشارکت اقتصادی زنان، مضیقه ازدواج، نسبت جمعیت دختران در حال تحصیل، نسبت زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر، نسبت روستانشینی و سطح توسعه شهرستان‌هاست. مشارکت اقتصادی زنان، از طریق تقسیم جمعیت زنان فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر، به کل جمعیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر، ضرب در ۱۰۰ محاسبه شد. مضیقه ازدواج که عدم توازن جنسی در بازار ازدواج نیز نامیده می‌شود، بیانگر عدم تعادل و برابری در تعداد پسران و دختران هرگز ازدواج نکرده واقع در سنین ازدواج است. با توجه به اینکه به‌طور متوسط، ۵ سال تفاوت سنی زوجین هنگام ازدواج در ایران وجود دارد، یعنی مردان ۵ سال بزرگ‌تر از زنان هستند، در مقایسه با شمار پسران و دختران هرگز ازدواج نکرده، پسران یک گروه سنی ۵ سال بزرگ‌تر در نظر گرفته شده است. بنابراین مضیقه ازدواج (عدم توازن جنسی در بازار ازدواج) از نسبت تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰ تا ۳۴ ساله به تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۵ تا ۲۹ ساله، ضربدر ۱۰۰ محاسبه می‌شود. بر این اساس، اگر حاصل فرمول ۱۰۰ شود، بیانگر توازن و تعادل در تعداد پسران و دختران هرگز ازدواج نکرده است. هرچه انحراف از ۱۰۰ به سمت کمتر از ۱۰۰ یا بیشتر از ۱۰۰ باشد، بیانگر عدم توازن جنسی بیشتر در سنین ازدواج است. اگر عدد به دست آمده کمتر از ۱۰۰ شود، بیانگر آن

است که شمار دختران مجرد بیشتر از پسران مجرد است و برعکس، اگر عدد به‌دست‌آمده بیشتر از ۱۰۰ شود، بیانگر فزونی پسران مجرد به دختران مجرد است.

نسبت جمعیت دختران ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ ساله در حال تحصیل نیز، از طریق تقسیم تعداد دختران در حال تحصیل، در هر گروه سنی (۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ ساله) بر تعداد جمعیت همان گروه سنی، ضربدر ۱۰۰ محاسبه شده است. همچنین نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر از تقسیم تعداد زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر بر تعداد جمعیت زنان ۲۰ ساله و بالاتر به دست آمده است. نسبت روستانشینی نیز که بیانگر نسبت جمعیت ساکن در مناطق روستایی در هر شهرستان است، از تقسیم شمار جمعیت روستایی به کل جمعیت ضربدر ۱۰۰ به دست آمد.

برای اندازه‌گیری درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور از چهار مؤلفه یا شاخص در دو بُعد اجتماعی - فرهنگی (نسبت شهرنشینی، نسبت باسواد کل، نسبت جمعیت دانش‌آموخته دانشگاهی کل) و زیربنایی - کالبدی (کیفیت مسکن، از تقسیم شمار واحدهای مسکونی با اسکلت بتون آرمه و اسکلت فلزی بر کل واحدهای مسکونی ضربدر ۱۰۰ به دست آمد) استفاده شد. برای این منظور، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیرهای یادشده حدود ۶۵ درصد واریانس، درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها را تبیین می‌کنند. مقدار $KMO=0,777$ و سطح معناداری آزمون بارتلت ($Sig=0,001$) نشان داد که شاخص به‌دست‌آمده قابل‌استفاده است. نمره‌های به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی به‌صورت نمره‌های استاندارد Z و دامنه انحراف استاندارد این نمره‌ها بین ۳+ و ۳- بود. از آنجا که گاهی نمره استاندارد به‌صورت منفی یا اعشاری است، تفسیر آن مشکل است. برای رفع ابهام ناشی از منفی‌بودن نمره‌های استاندارد و نیز حذف ارقام اعشاری، از نوع دیگر نمره استاندارد شده استفاده شد که به آن نمره T یا نمره مک کال^{۴۸} می‌گویند. برای این منظور از رابطه ۳ استفاده شد.

$$T = 10(Z) + 50 \dots\dots\dots (3)$$

در این تبدیل، میانگین برابر ۵۰، انحراف استاندارد برابر ۱۰ و دامنه نمره‌ها بین ۲۰ تا ۸۰ است (امین: ۱۳۷۶: ۱۰۵ تا ۱۰۹). نمره ۲۰ به‌معنای کمترین سطح توسعه و نمره ۸۰ به‌معنای بالاترین سطح توسعه است.

در تحلیل اطلاعات و رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، از نسخه ۲۱ بسته نرم‌افزاری SPSS و از برنامه ArcGIS برای نمایش فضایی شهرستان‌های کشور برحسب شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران استفاده شده است.

بیان یافته‌ها

توصیف متغیر وابسته: پیش‌رسی ازدواج دختران

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۵، میانگین نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله برای کل کشور، برابر با ۱,۷ درصد بوده است. در ۳۷۰ شهرستان (۸۶,۵ درصد از کل شهرستان‌های کشور)، نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله کمتر از ۳ درصد و در ۳۴ شهرستان

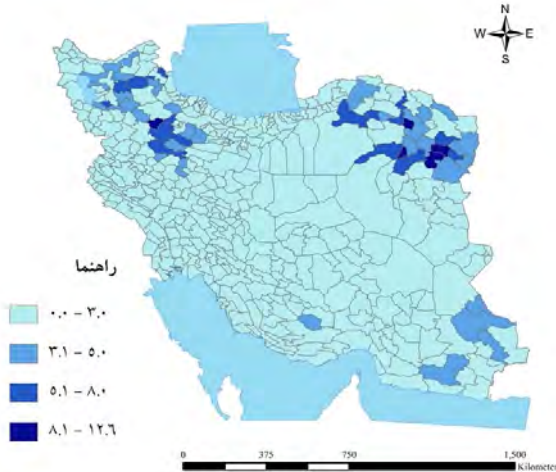
(۷,۹ درصد) نیز بین ۳ تا ۵ درصد بوده است. با این حال، در ۴,۴ درصد از شهرستان‌ها (۱۹ شهرستان)، نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله بین ۵ تا ۸ درصد و فقط در ۵ شهرستان این نسبت به بالاتر از ۸ درصد رسیده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در شهرستان سیروان استان ایلام تعداد دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله حداقل یک بار ازدواج کرده، برابر با صفر بوده که باعث شده است کمترین نسبت پیش‌رسی ازدواج را در بین شهرستان‌های کشور به خود اختصاص دهد. پس از آن، شهرستان‌های گچساران، بروجن، لنجان و آشتیان هر کدام با ۰,۲ درصد کمترین نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال را در سال ۱۳۹۵ دارا بوده‌اند. اما در سوی دیگر طیف، شهرستان‌های رشتخوار، فیروزه، زاوه، ایجرود و خلیل‌آباد به ترتیب با ۱۲,۶، ۱۲، ۱۱، ۹,۵ و ۹,۲ درصد، بالاترین نسبت از دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله حداقل یک بار ازدواج کرده را در خود جای داده‌اند. نکته قابل‌توجه آن است که از بین این ۵ شهرستان، به‌جز ایجرود در استان زنجان، مابقی شهرستان‌ها در استان خراسان رضوی واقع شده‌اند.

جدول ۱: توزیع تعداد شهرستان‌های ایران برحسب نسبت ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله
(% در سال ۱۳۹۵)

فراوانی		پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله
نسبی	مطلق	
۸۶,۵	۳۷۰	کمتر از ۳ درصد
۷,۹	۳۴	۳ تا ۵ درصد
۴,۴	۱۹	۵ تا ۸ درصد
۱,۲	۵	بیشتر از ۸ درصد
۱۰۰,۰	۴۲۸	کل

نقشه ۱ توزیع فضایی نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله را در شهرستان‌های کشور نشان داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، پیش‌رسی ازدواج برای دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در بیشتر مناطق مرکزی، شمالی، غربی و جنوبی کشور نسبت به مناطق شمال شرقی و شمال غربی، که نسبت‌های بالای ۵ درصد را عمدتاً به خود اختصاص داده‌اند، شیوع نسبتاً پایین‌تری (کمتر از ۳ درصد) داشته است. بنابراین مناطق شمال شرقی، شمال غربی و جنوب شرقی کشور بالاترین شیوع پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله را دارند. علاوه بر این، شیوع ازدواج دختران در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال برای کل کشور برابر با ۲۱,۴۵ درصد بوده است. نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله حداقل یک بار ازدواج کرده در ۱۵۱ شهرستان (۳۵,۳ درصد)، کمتر از ۲۰ درصد بوده است. گروه بعدی از شهرستان‌های با پیش‌رسی ازدواج ۲۰ تا ۳۰ درصد، با فراوانی ۱۶۴ (۳۸,۳ درصد)، بیشترین تعداد شهرستان را در خود جای داده است. همچنین تعداد ۶۷ شهرستان (۱۵,۷ درصد) نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله‌شان ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است. در ۴۶ شهرستان نیز نسبت ازدواج دختران در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال بیشتر از ۴۰ درصد بوده است.

نقشه ۱: نمایش فضایی شیوع پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵



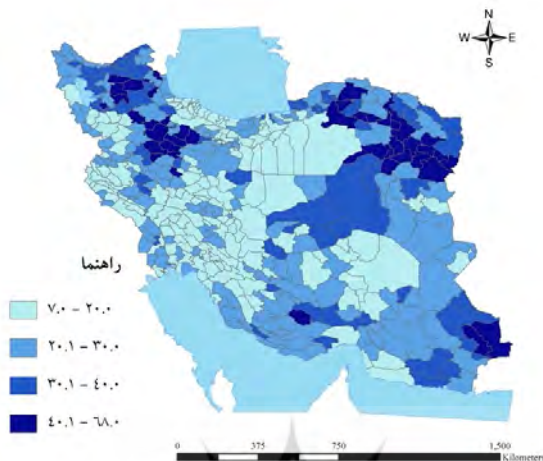
بالاترین نسبت ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در شهرستان‌های رشتخوار، فیروزه و زاوه، واقع در استان خراسان رضوی، به ترتیب با ۶۶، ۶۵ و ۶۱ درصد و پایین‌ترین مقدار نیز مربوط به شهرستان‌های بندرانزلی، تهران و مسجدسلیمان به ترتیب با ۷،۴، ۸،۲ و ۸،۳ درصد مشاهده شد که نشان از تفاوت محسوسی بین مناطق مختلف کشور به لحاظ شیوع ازدواج دختران در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال دارد.

جدول ۲: توزیع تعداد شهرستان‌های ایران بر حسب نسبت ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله (%).
در سال ۱۳۹۵

فراوانی		پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله	
نسبی	مطلق	نسبی	مطلق
۳۵،۳	۱۵۱	کمتر از ۲۰ درصد	۳۵،۳
۷۳،۶	۱۶۴	۲۰،۱ تا ۳۰ درصد	۳۸،۳
۸۹،۳	۶۷	۳۰،۱ تا ۴۰ درصد	۱۵،۷
۱۰۰،۰	۴۶	بیشتر از ۴۰ درصد	۱۰،۷
....	۴۲۸	کل	۱۰۰،۰

نقشه ۲ توزیع شهرستان‌های کشور بر حسب پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله را در سال ۱۳۹۵، نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌توان دید، بالاترین نسبت‌های پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله، عمدتاً در مناطق شمال شرقی و شمال غربی کشور دیده می‌شود. این در حالی است که در مناطق مرکزی، جنوبی، غربی و شمالی نسبت‌های پایین‌تری مشاهده شده است. توزیع شاخص یادشده تا حدود زیادی متناظر با الگوی پراکنش شهرستان‌ها بر حسب پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله است.

نقشه ۲: نمایش فضایی شیوع پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵



توصیف متغیرهای مستقل

نتایج این بررسی حاکی از آن است که میانگین مشارکت اقتصادی زنان در شهرستان‌های مورد بررسی ۱۲٫۹ درصد بوده است. همچنین مقدار این متغیر بین ۴٫۳ تا ۳۲٫۹ درصد در نوسان بوده است. زنان در شهرستان‌های سرباز، چرداول و لنده، به ترتیب با ۳۲٫۹، ۲۸٫۸ و ۲۷٫۷ درصد بالاترین مشارکت اقتصادی، و زنان در شهرستان‌های بهار (۴٫۳ درصد)، کیودرآهنگ و بهارستان (۵٫۲ درصد) و سرعین (۵٫۴ درصد) کمترین میزان مشارکت اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند.

متغیر مستقل دیگر مزیقه ازدواج بود. همان طور که در جدول ۳ می‌توان دید، کمترین مقدار این شاخص برابر با ۵۸٫۸ درصد، مربوط به شهرستان سیب و سوران بوده و بیشترین مقدار نیز برابر با ۳۵۶٫۸ در شهرستان عسلویه بوده است. به بیان دیگر در شهرستان سیب و سوران، به ازای هر ۱۰۰ دختر ۱۵ تا ۲۹ ساله مجرد، ۵۹ پسر مجرد ۲۰ تا ۳۴ ساله وجود داشته است که این نکته به معنی مزیقه ازدواج برای دختران در این شهرستان است. در نقطه مقابل، در شهرستان عسلویه، به ازای هر ۱۰۰ دختر مجرد ۱۵ تا ۲۹ ساله، نزدیک به ۳۵۷ پسر مجرد ۲۰ تا ۳۴ ساله وجود دارد؛ یعنی به ازای هر یک دختر مجرد، سه پسر مجرد که حکایت از مزیقه ازدواج برای پسران در این شهرستان دارد. در میان شهرستان‌های با بیشترین مزیقه ازدواج برای دختران، بعد از شهرستان سیب و سوران، شهرستان‌های راز و جرگلان (۶۱٫۶)، مهرستان (۶۲٫۲)، دلگان (۶۴٫۹) و هیرمند (۶۵٫۳) قرار دارند. نکته قابل ذکر آن است که از بین این شهرستان‌ها، به استثنای راز و جرگلان، بقیه شهرستان‌ها در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند. پس از عسلویه نیز دو شهرستان اشکدر

و کنگان، به ترتیب با ۲۸۴ و ۲۷۵ پسر مجرد ۲۰ تا ۳۴ ساله به ازای هر ۱۰۰ دختر مجرد ۱۵ تا ۲۹ ساله، بالاترین مزیقه ازدواج را برای پسران تجربه کرده‌اند.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳، در شهرستان‌های مورد بررسی در سال ۱۳۹۵، به‌طور میانگین از هر ۱۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله، نزدیک به ۹۴ نفر (۹۳،۹ درصد) در حال تحصیل بوده‌اند. این در حالی بوده است که در شهرستان‌های سرپاز، راز و جرگلان و کنارک به ترتیب ۶۶،۹، ۷۱،۶ و ۷۱،۸ درصد، (کمتر از سه‌چهارم) دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، در حال تحصیل بوده‌اند که این مقادیر با مقدار مطلوب (۱۰۰ درصد) و حتی میانگین شهرستان‌های کشور (۹۳،۹ درصد) فاصله زیادی دارد. در سوی دیگر طیف، چهار شهرستان سوادکوه شمالی، شهرکرد، نائین و عباس‌آباد، به ترتیب با ۹۹،۴، ۹۹،۳، ۹۹،۲ و ۹۹،۲ بالاترین نسبت از دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در حال تحصیل را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	فراوانی
مشارکت اقتصادی زنان	۴،۳	۳۲،۹	۱۲،۹	۴،۰	۴۲۸
مزیقه ازدواج	۵۸،۸	۳۵۶،۸	۱۳۱،۶	۳۱،۶	۴۲۸
نسبت جمعیت در حال تحصیل دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله	۶۶،۹	۹۹،۴	۹۳،۹	۵،۲	۴۲۸
نسبت جمعیت در حال تحصیل دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله	۱۹،۷	۸۵،۶	۶۰،۵	۱۳،۳	۴۲۸
نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر	۶،۰	۶۶،۰	۳۳،۶	۱۱،۵	۴۲۸
نسبت روستانشینی	۰،۵	۹۴،۲	۴۴،۱	۲۲،۱	۴۲۸
شاخص توسعه	۱۸،۵	۷۹،۴	۵۰،۰	۱۰،۰	۴۲۸

با نگاهی به میانگین نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در حال تحصیل، می‌توان دید که این مقدار نسبت به دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، پایین‌تر بوده است. در شهرستان‌های مورد بررسی، به‌طور میانگین از هر ۱۰۰ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله، کمی بیش از ۶۰ نفر در حال تحصیل بوده‌اند. بخشی از این تفاوت ناشی از پایان تحصیلات دبیرستان و تأخیر در ورود به دانشگاه و بخشی دیگر را می‌توان با ترک تحصیل دختران به علت ازدواج مرتبط دانست. کم‌ترین نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در حال تحصیل، مربوط به شهرستان‌های کنارک (۱۹،۷ درصد)، راز و جرگلان (۲۱،۹ درصد) و سرپاز (۲۳،۱ درصد) بوده و بیشترین نسبت مربوط به شهرستان‌های خوانسار، طالقان و شهرکرد بوده است که به ترتیب ۸۵،۶، ۸۴،۴ و ۸۴ درصد از دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در این شهرستان‌ها در حال تحصیل بوده‌اند.

شاخص دیگر مرتبط با تحصیلات زنان، نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر بود که آماره‌های توصیفی آن در جدول ۳ آمده است. همان‌طور که می‌توان دید کمترین مقدار این شاخص برابر با ۶ درصد در شهرستان سرپاز بوده است. به بیان دیگر، در این شهرستان از هر ۱۰۰ زن ۲۰ ساله و بالاتر، تنها ۶ زن دارای مدرک دیپلم و بالاتر بوده‌اند. این در حالی است که در شهرستان تهران این مقدار ۶۶ درصد، ۱۱ برابر شهرستان سرپاز، بوده است؛ یعنی از هر ۱۰۰ زن ۲۰ ساله و بالاتر شهرستان تهران، ۶۶ نفر (دوسوم) مدرک دیپلم و بالاتر داشته‌اند.

بررسی نسبت روستانشینی در شهرستان‌ها نشان داد که شهرستان‌های تهران، خمینی‌شهر، کرج، قدس و قم به ترتیب فقط ۰,۵، ۱,۵، ۱,۷، ۲,۲ و ۴,۸ درصد از جمعیت در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند که بسیار کمتر از میانگین شهرستان‌های مورد بررسی، یعنی ۴۴ درصد است. از طرفی در شهرستان‌های خدآفرین (۹۴,۲)، نیمروز (۹۲,۵)، بشاگرد (۹۱,۷)، راز و جرگلان (۹۱,۵)، اندیکا (۹۱,۴) و دوره (۹۰,۹) بیش از ۹۰ درصد از کل جمعیت در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند.

همان‌طور که در جدول ۳ آمده است، پایین‌ترین نمره شاخص توسعه شهرستان‌ها برابر با ۱۸,۵ بوده که برای شهرستان سرباز به دست آمده و پس از آن شهرستان‌های قصرقند، مهرستان و دلگان، به ترتیب با نمره ۲۳,۲، ۲۳,۶ و ۲۵,۲ که همگی در استان سیستان و بلوچستان واقع شده‌اند، قرار داشته‌اند. بر اساس این شاخص، شهرستان تهران با نمره ۷۹,۴ در بالاترین سطح از توسعه، در بین شهرستان‌های مورد بررسی قرار داشته است.

نتایج تحلیل دومتغیره

جدول ۴ رابطه هریک از متغیرهای مستقل را با نسبت پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۹ ساله نشان می‌دهد. بر اساس این، ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله و متغیرهای مضیقۀ ازدواج و نسبت روستانشینی و رابطه منفی و معنادار بین این متغیر با مشارکت اقتصادی زنان، سطح توسعه، نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر و نسبت جمعیت دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در حال تحصیل است. قوی‌ترین رابطه همبستگی با پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، مربوط به نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر با ضریب ۰,۴۷۲- و ضعیف‌ترین رابطه مربوط به مشارکت اقتصادی زنان با ۰,۲۲۶- بوده است. از این‌رو، با افزایش تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان، نسبت پیش‌رسی ازدواج کاهش یافته است.

جدول ۴: رابطه همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرهای وابسته			متغیرهای مستقل			
پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله			پیش‌رسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله			
N	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	N	سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۲۶۶	۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۲۲۶	مشارکت اقتصادی زنان
۴۲۸	۰,۰۰۱	۰,۲۵۴	۴۲۸	۰,۰۰۱	۰,۲۵۶	مضیقۀ ازدواج
۴۲۸	۰,۰۰۱	۰,۴۱۱	۴۲۸	۰,۰۰۱	۰,۴۰۲	نسبت روستانشینی
۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۴۷۲	۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۴۱۸	شاخص توسعه
۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۵۶۶	۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۴۷۲	نسبت زنان ۲۰ ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر
.....	۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۳۱۶	نسبت اشتغال به تحصیل جمعیت دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله
۴۲۸	۰,۰۰۱	-۰,۶۰۸	نسبت اشتغال به تحصیل جمعیت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله

با نگاهی به جدول ۴ می‌توان دید که همانند متغیر نسبت پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ساله، رابطه همبستگی بین پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله با دو متغیر مضیقۀ ازدواج (۰,۲۵۴) و نسبت روستانشینی (۰,۴۱۱) مثبت و معنادار بوده است. به این معنا که هرچه تعداد پسران مجرد در مقایسه با دختران مجرد و همچنین هرچه نسبت جمعیت روستایی افزایش یافته، پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله نیز افزایش یافته است. رابطه متغیرهای مشارکت اقتصادی زنان، شاخص توسعه، نسبت زنان ۲۰ساله و بالاتر با تحصیلات دیپلم و بالاتر و نسبت جمعیت دختران ۱۵ تا ۱۹ساله در حال تحصیل با متغیر وابسته منفی و معنادار بوده است.

نتایج تحلیل چندمتغیره

به منظور پاسخ به این سؤال که متغیرهای مستقل با کنترل اثر سایر متغیرها، تا چه اندازه می‌توانند تغییرات پیشرسی ازدواج دختران را در شهرستان‌های مورد بررسی توضیح دهند، از تکنیک رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج به دست آمده برای تعیین‌کننده‌های پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ساله در جدول ۵ و برای پیشرسی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله در جدول ۶ نمایش داده شده است.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون چندمتغیره تأثیر متغیرهای مستقل بر پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ساله در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵

سطح معناداری	ضریب‌های استاندارد شده		ضریب‌های استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
	T	β	انحراف معیار	B	
۰,۰۰۴	۲,۹۰۳		۱,۹۹	۵,۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۱	-۳,۵۹	-۰,۱۵۶	۰,۰۱۹	-۰,۰۶۷	مشارکت اقتصادی زنان
۰,۰۰۱	۶,۲۷	۰,۲۷۶	۰,۰۰۲	۰,۰۱۵	مضیقۀ ازدواج
۰,۰۰۱	۳,۲۵	۰,۲۸۰	۰,۰۰۷	۰,۰۲۲	نسبت روستانشینی
۰,۰۹۲	۱,۶۹	۰,۲۵۱	۰,۰۲۶	۰,۰۴۳	شاخص توسعه
۰,۰۰۳	-۲,۹۸	-۰,۳۴۳	۰,۰۱۷	-۰,۰۵۲	نسبت زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر
۰,۰۰۱	-۳,۳۲	-۰,۲۱۰	۰,۰۲۱	-۰,۰۷۰	نسبت اشتغال به تحصیل دختران ۱۰ تا ۱۴ساله
ضریب همبستگی چندگانه (R) = ۰,۵۸۵					
ضریب تعیین (R^2) = ۰,۳۴۲					
ضریب تعیین تعدیل یافته (R^2 . Adj) = ۰,۳۳۳					
آماره F (۳۶,۵) و سطح معناداری آن (Sig) = ۰,۰۰۰					

اطلاعات مندرج در جدول ۵ از نوعی همبستگی متوسط (۰,۵۸۵) بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل و پیشرسی ازدواج ۱۰ تا ۱۴ساله حکایت دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته (۰,۳۴۲) گویای آن است که متغیرهای مستقل مورد بررسی حدود یک‌سوم (۳۴ درصد) تغییرات پیشرسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ساله را توضیح می‌دهد. بر این اساس، متغیرهای مشارکت اقتصادی زنان، نسبت زنان دارای تحصیلات

دیپلم و بالاتر و نسبت اشتغال به تحصیل دختران ۱۰ تا ۱۴ساله، اثر کاهنده و معنادار و متغیرهای مضیقۀ ازدواج و نسبت روستانشینی اثر مثبت و معناداری بر پیشروی ازدواج داشته‌اند. در جدول ۶، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره، برای بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر پیشروی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله، آمده است. بر این اساس، مجموع متغیرهای واردشده در مدل رگرسیونی توانسته‌اند حدود ۵۰ درصد از تغییرات پیشروی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله را در شهرستان‌های کشور در سال ۱۳۹۵ پیش‌بینی کنند. از میان این متغیرها، مشارکت اقتصادی زنان و نسبت اشتغال به تحصیل دختران ۱۵ تا ۱۹ساله اثر کاهنده و معنادار و متغیرهای مضیقۀ ازدواج و نسبت روستانشینی اثر مثبت و معنادار بر ازدواج دختران این گروه سنی داشته‌اند.

جدول ۶: تحلیل رگرسیون چندمتغیره تأثیر متغیرهای مستقل بر پیشروی ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ساله در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵

سطح معناداری	ضریب‌های استانداردشده		ضریب‌های استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
	t	β	انحراف معیار	B	
۰,۰۰۱	۵,۸۱		۶,۵۰	۳۷,۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۱	-۴,۴۳	-۰,۱۶۲	۰,۹۸	-۰,۴۳۳	مشارکت اقتصادی زنان
۰,۰۰۱	۷,۵۴	۰,۳۷۶	۰,۰۱۲	۰,۰۹۴	مضیقۀ ازدواج
۰,۰۱۳	۲,۴۹	۰,۱۸۶	۰,۰۳۶	۰,۰۹۰	نسبت روستانشینی
۰,۳۳۴	۰,۹۶۸	۰,۱۲۶	۰,۱۳۹	۰,۱۳۵	شاخص توسعه
۰,۹۸۳	-۰,۰۲۲	-۰,۰۰۳	۰,۱۱۵	-۰,۰۰۳	نسبت زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر
۰,۰۰۱	-۸,۴۶	-۰,۶۱۵	۰,۰۵۸	-۰,۴۹۳	نسبت اشتغال به تحصیل دختران ۱۵ تا ۱۹ساله
ضریب همبستگی چندگانه $(R) = ۰,۷۱۱$					
ضریب تعیین $(R^2) = ۰,۵۰۵$					
ضریب تعیین تعدیل یافته $(R^2 \text{ Adj}) = ۰,۴۹۸$					
اماره F (۷۱,۷) و سطح معناداری آن (Sig = ۰,۰۰۰)					

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بررسی حاضر تا حدود زیادی همسو با انتظارات نظری حاصل از نظریۀ نوسازی بود. مطابق با این نظریه، گسترش شهرنشینی در کنار افزایش تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان موجب کاهش پیشروی ازدواج خواهد شد. همان‌طور که مشاهده شد در شهرستان‌های ایران، افزایش مشارکت اقتصادی زنان و افزایش نسبت جمعیت زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر و نسبت اشتغال به تحصیل دختران با کاهش پیشروی ازدواج دختران همراه بود.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، شهرستان‌های با نسبت روستانشینی بالاتر سطوح بالاتری از پیشروی ازدواج را تجربه می‌کنند. این یافته با نتایج مطالعات یونیسف (۲۰۱۶)، وستوف (۲۰۰۳) و احمدی (۱۳۸۳)

همسو بوده و در چهارچوب نظریه‌ی نوسازی قابل‌تبیین است. بر این اساس، فضای بازتر شهر نسبت به روستا، همچنین کنترل اجتماعی ضعیف‌تر روی جوانان، گسترش آموزش مدرن و همگانی‌شدن تحصیلات علمی و افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان در مناطق شهری، از عواملی بود که در کاهش پیشروی ازدواج دختران اثرگذار است.

از سوی دیگر، عوامل فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی که باعث تقویت ازدواج کودکان می‌شود، از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر متفاوت است. تغییرات ساختاری باعث شده است اقوام مختلف ضمن حفظ هنجارها و ارزش‌های قومی فرهنگی متمایز خود، سطوح متفاوتی از نوسازی و توسعه را تجربه کنند. بر اساس نتایج بررسی حاضر، مناطق شمال شرق، شمال غرب و غرب کشور، به‌ویژه استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، همدان، زنجان، آذربایجان غربی، قزوین و اردبیل که به‌جز دو استان نخست، استان‌های عمدتاً ترک‌نشین کشور هستند، دارای بالاترین میزان شیوع پیشروی ازدواج دختران (پیشروی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله، بالاتر از ۵ درصد) بودند. این یافته در جهت تأیید فرضیه‌ی تأثیر مستقل قومیت بر الگوهای ازدواج است که در بررسی‌های گوناگون (وون‌الم و هیرشمن، تاپا، ۱۹۹۷؛ اکسنوس و گالتیانو، ۱۹۹۲؛ مالهپوترا، ۱۹۹۷؛ پالمور، ۱۹۸۳؛ مینه، ۱۹۹۷؛ عباسی شوازی، ۱۳۸۴؛ ترابی و باسیری، ۲۰۱۰؛ افتخارزاده، ۱۳۹۴) مورد تأیید قرار گرفته است.

در این بررسی، همسو با نتایج بررسی حسینی و همکاران (۱۳۹۸)، عدم تعادل در بازار ازدواج، به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر پیشروی ازدواج دختران، مورد شناسایی قرار گرفت. همان‌گونه که در نظریه‌ی مبادله مطرح شد، هرگاه در بازار ازدواج، تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه‌ی آن باشد، سبب می‌شود دختران در سنین پایین‌تری ازدواج کنند (افزایش پیشروی ازدواج زنان) و برعکس، هرگاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب بالارفتن سن ازدواج دختران می‌شود (کاهش پیشروی ازدواج زنان).

در بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با ازدواج کودکان، آموزش و تحصیلات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش نه‌تنها به‌دلیل ادامه‌تحصیل افراد در مقاطع آموزشی بالاتر، بلکه به‌طور طبیعی موجب تعویق ازدواج می‌شود. علاوه بر این، حضور در نهادهای نوین آموزشی، سبب استقلال فکری و تغییر در ارزش‌ها و باورهای جوانان می‌شود. نتایج این بررسی نیز به‌طور کلی مؤید این امر است. همچنین مقوله‌ی بهبود کیفی و کمی اشتغال زنان نیز اهمیت دارد. ورود چشمگیر جنس مؤنث به بازار کار، در نتیجه‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و ارتقای آنان در مشاغل سطح بالا، سبب کسب درآمد اختصاصی و استقلال اقتصادی بانوان شده است و احتمال ازدواج زودرس را برای آنان کمتر می‌کند.

به‌منظور کاهش پیشروی ازدواج دختران، فراهم‌کردن فرصت‌های اقتصادی برای دختران جوان، ارتقای آموزش دختران و استفاده از رسانه‌های جمعی برای افزایش آگاهی کل جامعه درباره‌ی پیامدهای ازدواج زودهنگام بر دختران، خانواده و جامعه پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این، برای درک مسائل مربوط به ازدواج زودهنگام، تحقیقات کیفی بیشتری نیاز است تا به درک جوانان در زمینه‌های مختلف قومی و فرهنگی توجه شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Early Marriage
2. United Nations Population Fund (UNFPA)
3. Santhya
4. Jejeebhoy
5. Loaiza
6. Wong
7. United Nations Children's Fund (UNICEF)
8. Amin
9. Tremayne
10. Dunn
11. Nasrullah
12. Lucas & Meyer
13. World Health Organization (WHO)
14. Prakash
15. Jain
16. International Center for Research on Women (ICRW)
17. Boender
18. Agrawal
19. Raj
20. Finlay
21. Nurani
22. Chandra
23. Jones
24. Ambrus
25. Von Elmand & Hirschman
26. Thapa
27. Xenos & Gultiano
28. Malhotra
29. Palmore
30. Minh
31. Baschieri
32. Mensch
33. Anita
34. Hyseni
35. Thornton
36. Idris
37. Ikamari
38. Glick
39. Gebel & Heyne
40. Westoff
41. Smith
42. George homans
43. Peter blau
44. Bartz & Nye
45. Second Demographic Transition Theory
46. Lesthaeghe
47. Fraboni
48. McCall's

منابع

- آقایی، س.، و طاهری، ر. (۱۳۹۲). نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱). *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۸، ۷۵-۹۴.
- احمدی، و.، و رضایی، ا. (۱۳۹۴). بررسی پیش‌رسی ازدواج در استان‌های کشور در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰. *فصلنامه جمعیت، پاییز و زمستان*، ۱۳۹۴، ۹۳، ۸۱-۹۴.
- احمدی، ع. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چندسطحی، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه شیراز.
- افتخارزاده، س. ز. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۳، ۱۵۶-۱۰۸.
- امین، ف. (۱۳۷۶). *روش‌های مقدماتی آماری در روان‌شناسی تعلیم و تربیت*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حبیب‌پور گتایی، ک.، و غفاری، غ. ر. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران زن در توسعه و سیاست، ۱، ۳۴-۷.
- حسینی، ح.، صادقی، ر.، رضایی، ا. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران، *توسعه محلی (شهری - روستایی)*، ۱، ۱۷۲-۱۴۷.
- حسینی، ح.، گراوند، ح. (۱۳۹۵). تبیین شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به الگوی انتخاب همسر در شهر کوهدشت. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۱، ۱۲۸-۱۱۳.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، کاظمی‌پور، ش.، رحیمی، ع. (۱۳۹۰). روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه با تأکید بر ایران طی چهار دهه گذشته (۲۰۱۰-۱۹۷۰)، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱، ۸۵-۴۹.
- سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۹۷). *سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۶*، تهران: سازمان ثبت‌احوال کشور.

- عباسی شوازی، م. ج.، صادقی، ر. (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، فصلنامه پژوهش زنان، ۱، ۴۷-۲۵.
- کنعانی، م. ا. (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱، ۱۲۶-۱۰۴.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، ۳، ۱۲۴-۱۰۳.
- کاوه فیروز، ز.، کاظمی‌پور، ش. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اجتماعی - جمعیتی افزایش سن ازدواج، زن در توسعه و سیاست، ۳، ۱۱۸-۱۰۱.
- لوکاس، د.، پاول، م. (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، ۲۴، ۵۴-۲۷.
- محمودیان، ح.، فیروز، ر. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر فاصله سنی زوجین در استان اردبیل. مطالعات راهبردی زنان، ۵۰، ۱۸۴-۱۵۳.
- مقدادی، م. م.، جوادپور، م. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، ۴۰، ۶۰-۳۱.

- Abbasi Shawazi, M. J., Sadeghi, R. (2005). Ethnicity and marriage patterns in Iran, *Women's Research*, 1, 25-47 [in Persian].
- Aghaei, S., Taheri, R. (2013). Young people's attitude towards the effect of economic, social and cultural factors effective in raising the age of marriage (case study: District 2 and 3, District 4, Tehran, 2013). *Sociological Review*. 8, 75-94 [in Persian].
- Ahmadi, V., Rezaei, A. (2015). Studying the progress of marriage in the provinces of the country during the years 1385 to 1390. *Population magazine*, 93, 94-81 [in Persian].
- Ahmadi, A. (2004). Investigating the effect of early marriage on the dropout of teenage women in Iran with a multi-level approach, the second conference of the Iranian Demographic Association, Iranian Sociological Association, Shiraz University [in Persian].
- Amin, F. (1997). Preliminary statistical methods in educational psychology, Tehran: Habibi Books Co., Ltd [in Persian].
- Amin, S. (2011). "Programs to address child marriage: Framing the Problem." Promoting Healthy, Safe, and Productive Transitions to Adulthood. Population Council Brief No. 14.
- Anita, S. (2020). Hubungan Sumber informasi, Budaya dan Keluarga dengan Pernikahan Dini pada Wanita PUS (Pasangan Usia Subur) di Desa Tembung Kecamatan Percut Sei Tuan Kabupaten Deli Serdang. *Ovary Midwifery Journal*, 2(1), 36-41.
- Boender, C. (2018). *Child, Early, and Forced Marriage: CARE's Global Experience*. CARE. New York: Routledge.
- Chandra-Mouli, V., Greifinger, R., Nwosu, A., Hainsworth, G., Sundaram, L., Hadi, S., ... & Schoening, E. (2013). Invest in adolescents and young people: it pays. *Reproductive health*, 10(1), 51.
- Eftekhazade, Z. (2015). Lived experiences of female victims of child marriage. *Journal of Social Work Research*, 2(3), 108-156 [in Persian].
- Field, E., & Ambrus, A. (2008). Early marriage, age of menarche, and female schooling attainment in Bangladesh. *Journal of political Economy*, 116(5), 881-930.
- Finlay, J. E., Özaltın, E., & Canning, D. (2011). The association of maternal age with infant mortality, child anthropometric failure, diarrhoea and anaemia for first births: evidence from 55 low-and middle-income countries. *BMJ open*, 1(2), e000226.

- Gebel, M., & Heyne, S. (2016). Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan. *Research in Social Stratification and Mobility*, 46, 61-72.
- Glick, P., Handy, C., & Sahn, D. E. (2015). Schooling, marriage, and age at first birth in Madagascar. *Population Studies*, 69(2), 219-236.
- Habibpour Gatabi, K., & Ghaffary, G. (2011). A Study on The Causes of Rising Marriage Age Among Girls. *Woman in Development & Politics*, 9(1), 7-34 [in Persian].
- Hosseini, H., & Erfani, A. (2014). Ethnic differences in the attitudes and practice of consanguineous marriage among Kurds and Turks in Uromiyeh District, Iran. *Journal of Comparative Family Studies*, 45(3), 389-403.
- Hosseini, H., & Gervand, M. (2016). Explanation the Gap in Women's Behavior and Attitudes Toward Pattern of Mate Selection in Kouhdasht. *Journal of Applied Sociology*, 27(1), 113-128 [in Persian].
- Hosseini, H., Sadeghi, R., & Rezaei, A. (2019). Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 11(1), 147-172 [in Persian].
- Hyseni Duraku, Z., Jemini-Gashi, L., & Toçi, E. (2020). Perceptions of Early Marriage, Educational Aspirations, and Career Goals among Kosovar Adolescents. *Marriage & Family Review*, 1-22.
- Idris, F., Hassan, Z., Ya'acob, A., Gill, S. K., & Awal, N. A. M. (2012). The role of education in shaping youth's national identity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 59, 443-450.
- Ikamari, L. D. (2005). The effect of education on the timing of marriage in Kenya. *Demographic Research*, 12, 1-28.
- International Center for Research on Women (ICRW) (2007). How to End Child Marriage Action Strategies for Prevention and Protection. Washington DC: ICRW Publication.
- International Center for Research on Women (ICRW). 2006. "Child Marriage and Poverty," from Too Young to Wed: Advocacy Toolkit: Education & Change Toward Ending Child Marriage. Washington DC: ICRW.
- Jain, G., Bisen, V., Singh, S. K., & Jain, P. (2011). Early marriage of girls as a barrier to their education. *International Journal of Advanced Engineering Technology*, 2(3), 193-198.
- Jensen, R., & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender & Development*, 11(2), 9-19.
- Jones, N., Tefera, B., Stephenson, J., Gupta, T., Perezniето, P., Emire, G., ... & Gezhegne, K. (2014). Early marriage and education: the complex role of social norms in shaping Ethiopian adolescent girls' lives. *Country Report: Shaping policy for development*, 1-103.
- Kanani, M. A. (2006). Linking tradition and modernization in increasing the age of marriage: the example of Turkmen Iranians. *Journal of Population Association of Iran*, 1, 104-126 [in Persian].
- Kave Firouz, Z., Kazmipour, Sh. (2014). Socio-demographic determinants of increasing marriage age. *woman in Development and Politics*. 3. 118-101 [in Persian].
- Kazmipour, sh. (2004). The evolution of women's marriage age in Iran and demographic factors affecting it. *Women's Research*, 3, 103-124 [in Persian].
- Kempadoo, K., Dunn, L. L. (2001). Factors that Shape the Initiation of Early Sexual Activity Among Adolescent Boys and Girls: A Study in Three Communities in Jamaica. UNICEF and UNFPA, Kingston, Jamaica.

- Khalajabadi Farahani, F., Kazmipour, S., Rahimi, A. (2011). The trend of changes in marriage indices in a selection of Asian and Pacific countries with an emphasis on Iran during the last four decades (1970-2010). *Journal of Population Association of Iran*, 11, 49-85 [in Persian].
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition, *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Loaiza, E., S.R., & Wong, S. (2012). Marrying too young. End child marriage. Research report retrieved from the United Nations Population Fund: <https://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung.pdf>
- Lucas, D., Paul, M. (2002). Beginning Population Studies, (H. Mahmoudian, Trans.), Tehran: University of Tehran [in Persian].
- Mahmoudian, H. (2004). The age of marriage is increasing: a study of the supporting factors. *Sociological Review*, 24, 27-54 [in Persian].
- Mahmoudian, H., & Rahro-Zargar, F. R. (2011). Social and demographic factors affecting the age difference between spouses: A case study of Ardabil province. *Women's Strategic Studies*, 13(50), 153-184 [in Persian].
- Malhotra, A. (1997). Gender and the timing of marriage: Rural-urban differences in Java. *Journal of Marriage and the Family*, 434-450.
- Matlabi, H., Rasouli, A., Behtash, H. H., Dastjerd, A. F., & Khazemi, B. (2013). Factors responsible for early and forced marriage in Iran. *Science Journal of Public Health*, 1(5), 227-229.
- Mehra, S., & Agrawal, D. (2004). Adolescent health determinants for pregnancy and child health outcomes among the urban poor. *Indian pediatrics*, 41(2), 137-145.
- Mensch, B. S., Singh, S., & Casterline, J. B. (2005). Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world. The changing transitions to adulthood in developing countries: *Selected studies*, 118-171.
- Meqdadi, M. M., Javadpur, M. (2016). The effect of early marriage on children's sexual health and coping mechanisms. *Journal of Medical Law*, 40, 31-60 [in Persian].
- Minh, N. H. (1997). Age at first marriage in Viet Nam: Patterns and determinants. *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2), 1-15.
- Montazeri, S., Gharacheh, M., Mohammadi, N., Alaghband Rad, J., & Eftekhar Ardabili, H. (2016). Determinants of early marriage from married girls' perspectives in Iranian setting: a qualitative study. *Journal of environmental and public health*, doi: 10.1155/2016/8615929.
- Nasrullah, M., Zakar, R., Zakar, M. Z., Abbas, S., Safdar, R., Shaukat, M., & Krämer, A. (2014). Knowledge and attitude towards child marriage practice among women married as children-a qualitative study in urban slums of Lahore, Pakistan. *BMC Public Health*, 14(1), 1148.
- National Organization for Civil Registration (2018). Yearbook of population statistics 2016, Tehran: National Organization for Civil Registration [in Persian].
- Nurani, F., Mardiyono, M., Supriyono, B., & Wijaya, A. F. (2020). Social Capital Analysis of the Engagement Culture Towards Reducing IMRs and MMRs: A Study of the Pandalungan Community. A Technical Note. Australasian Accounting. *Business and Finance Journal*, 14(1), 79-87.
- Palmore, J. (1983). The Country Effect: A six nation Overview of the determinants of Nuptiality and Cumulative Fertility. *United Nations: Asian Population Studies Series*, 59, 6-11.

- Prakash, R., Singh, A., Pathak, P. K., & Parasuraman, S. (2011). Early marriage, poor reproductive health status of mother and child well-being in India. *BMJ Sexual & Reproductive Health*, 37(3), 136-145.
- Raj, A. (2010). When the mother is a child: the impact of child marriage on the health and human rights of girls. *Archives of Disease in Childhood (ADC)*, 95, 931-935.
- Rosina, A., and Fraboni, R. (2004). Is marriage losing its centrality in Italy?, *Demographic Research*, 11(6), 149-172.
- Santhya, K. G., & Jejeebhoy, S. J. (2015). Sexual and reproductive health and rights of adolescent girls: Evidence from low-and middle-income countries. *Global public health*, 10(2), 189-221.
- Smith, P. C. (1980). Asian marriage patterns in transition. *Journal of Family History*, 5(1), 58-96.
- Thapa, S. (1997). Timing of family formation in ethnic mosaic Nepal: a district-level analysis. *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2), 1-8.
- Torabi, F., & Baschieri, A. (2010). Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: The role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development. *Demographic Research*, 22, 29-62.
- Tremayne, S. (2006). Modernity and early marriage in Iran: a view from within. *Journal of Middle East Women's Studies*, 2(1), 65-94.
- United Nations Children's Fund (UNICEF). (2005). *Early Marriage: A Harmful Traditional Practice: A Statistical Exploration*. New York: UNICEF Publication.
- United Nations Children's Fund (UNICEF). (2016). *The state of the world's children: inequity imperils millions of children and threatens the future of the world*. New York: UNICEF Publication.
- United Nations Children's Fund (UNICEF). (2017). *Child Marriage in the Middle East and North Africa*. Jordan: UNICEF Publication.
- United Nations Population Fund (UNFPA). (2006). *Ending Child Marriage: A Guide for Global Action*, International Planned Parenthood Federation and the Forum on Marriage and the Rights of Women and Girls, London.
- Von Elm, B., & Hirschman, C. (1979). Age at first marriage in Peninsular Malaysia. *Journal of Marriage and the Family*, 877-891.
- Westoff, C. F. (2003). *Trends in Marriage and Early Childbearing in Developing Countries*. DHS Comparative Reports No. 5. Macro International Inc.: Calverton, Maryland.
- World Health Organization. (2011). *Guideline on Preventing Early Pregnancy and Poor Reproductive Outcomes Among Adolescents in Developing Countries*: Author.
- Xenos, P., & Gultiano, S. A. (1992). *Trends in female and male age at marriage and celibacy in Asia*. Honolulu: Hawaii Publication.